



Religious Scholars and the Issue of Unity and Convergence in the Islamic World

Dr sayed asef kazemi¹

Abstract

The issue of unity and convergence is one of the key objectives of Islamic law, a mandate of reason and Sharia, and a significant concern for reformers and prominent religious scholars throughout history. A cursory review of Qur'anic verses and narrations reveals that the mission of religious scholars—as agents and propagators of Islam—is universal, intended for the guidance of all humanity without being constrained by geographical or political borders.

The purpose of this study is to examine the question: How is the role of religious scholars in achieving unity and convergence assessed, and what strategies have been adopted in this regard? This research is based on the hypothesis that throughout Islamic history, religious scholars have consistently prioritized unity and convergence, offering valuable strategies to achieve these goals within the Islamic world.

Findings from this study, conducted through a descriptive-analytical method with a historical perspective, indicate that religious scholars have always been concerned with Islamic unity and have actively opposed divisive elements, which were often external enemies of Islam. These scholars have proposed and implemented significant strategies such as religious reform and the revival and reconstruction of Islamic thought, the rapprochement of Islamic sects, leadership centrality, consultation and institutionalization, and the establishment of an Islamic federation or union to achieve unity and convergence in the Islamic world.

Keywords: Religious scholars, Islamic unity, colonialism, Islamic world, reform, division

1 - PhD in Contemporary History of the Islamic World, Professor of Islamic Civilization and Biography, Al-Mustafa International University.

Email: kazemi.asef@gmail.com



عالمان دینی و مسئله وحدت و هم‌گرایی در جهان اسلام

سید آصف کاظمی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳-۶-۵

تاریخ تأیید: ۱۴۰۳-۸-۹

چکیده

مسئله وحدت و هم‌گرایی از اهداف مهم شریعت اسلامی، دستور عقل و شرع و از دغدغه‌های مصلحان و عالمان دینی بزرگ تاریخ هستند. با مروری اجمالی بر آیات و روایات مشخص می‌شود، رسالت عالمان دینی - به‌عنوان کارگزاران و مبلغان اسلام - جهانی و برای هدایت انسان‌ها در کل گیتی است و هیچ‌گونه مرز جغرافیایی و سیاسی آن را محدود نمی‌سازد. هدف از پژوهش حاضر، بررسی این پرسش است که نقش عالمان دینی در مسئله وحدت و هم‌گرایی چگونه ارزیابی می‌شود و چه راهبردهایی در این مسیر اتخاذ شده‌اند. تحقیق حاضر بر این فرضیه استوار است که همواره در طول تاریخ اسلامی، عالمان دینی نسبت به وحدت و هم‌گرایی اهتمام داشته‌اند و در این زمینه راهبردهای ارزشمندی برای رسیدن دنیای اسلام به وحدت و هم‌گرایی مطرح و ارائه داده‌اند. یافته‌های بحث، که براساس روش توصیفی-تحلیلی به‌صورت تاریخی مطالعه شده است، نشان می‌دهد که عالمان دینی همواره دغدغه وحدت اسلامی داشته‌اند و با عوامل و عناصر تفرقه‌زا، که عمدتاً دشمنان اسلام بودند، مبارزه می‌کردند؛ این عالمان طرح‌ها و راهبردهای ارزشمندی چون اصلاح‌طلبی دینی و احیا و بازسازی تفکر دینی،

۱. دکترای تاریخ معاصر جهان اسلام، استاد سیره و تمدن اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه.

تقریب مذاهب اسلامی، رهبرگرایی، شورا و نهادگرایی و دولت‌گرایی یا اتحاد جماهیر اسلامی را برای رسیدن دنیای اسلام به وحدت و هم‌گرایی ارائه دادند. واژگان کلیدی: عالمان دینی، وحدت اسلامی، استعمار، جهان اسلام، اصلاح‌طلبی، تفرقه.

مقدمه

بر کسی پوشیده نیست که جهان اسلام با واگرایی و تفرقه - به‌عنوان مسئله مهم سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی - همراه با تبلیغات منفی علیه اسلام و تلاش‌های تفرقه‌انگیز دشمنان روبه‌رو است؛ بنابراین، ضروری است برای غلبه بر این چالش‌ها و بهره‌مندی مناسب از فرصت‌ها و ظرفیت‌های گسترده امت اسلامی، با تکیه بر اصول ثابت و مشترک اسلام، زمینه‌های وحدت و هم‌گرایی مذاهب اسلامی را برای رهایی از وضعیت نابسامان موجود و مقابله با دشمن مشترک هموار سازیم. بی‌شک، وحدت و هم‌گرایی امت اسلامی - با وجود تمایزات و اختلافات - یکی از عوامل عزت و اقتدار اسلام است. هرچه این تقریب و هم‌گرایی در میان فرق اسلامی پررنگ‌تر شود، فرصت‌های بی‌شماری برای اظهار وجود و قدرت‌نمایی امت اسلامی در برابر زیاده‌خواهی دنیای استعمارگران و استکبار مهیا خواهد شد. دشمنانی در عرصه وحدت اسلامی در کمین نشسته‌اند و برای به شکست کشاندن آن نیرنگ‌ها، سیاست‌ها و راهبردهای شیطانی زیادی به کار گرفته‌اند؛ این در حالی است که وحدت، هم‌گرایی و یکپارچگی جهان اسلام از موضوعاتی هستند که طی قرن‌ها در منابع و آموزه‌های دینی و اندیشه و رفتار عالمان دینی همواره با فراز و نشیب دنبال شده‌اند و پیشینه‌ای به درازای تاریخ اسلام دارند. این امر در تاریخ معاصر به آرزو، آمال و هدف اصلی مصلحان اسلامی و جنبش‌های سیاسی - اجتماعی و حتی فکری مبدل شده است. نوشتار حاضر بر آن است که نقش علمای دینی نسبت به وحدت و هم‌گرایی اسلامی و راهبردهای آنان را بررسی کند و به این پرسش پاسخ دهد که راهبردهای عالمان دینی در مسئله وحدت و هم‌گرایی چگونه ارزیابی می‌شود.

۱. مفاهیم و روش تحقیق

لازم است پیش از پرداختن به هم‌گرایی ارتباطی، برخی مفاهیم کلیدی آن مفهوم‌شناسی و تبیین شوند.

۱-۱. مفاهیم



جهان اسلام: ملاک و معیارهای متفاوتی را می‌توان برای تعریف جهان اسلام در نظر گرفت و ارائه تنها یک معیار و شاخص فراگیر برای تعریف این مفهوم، امکان‌پذیر نیست. مفهوم جهان اسلام در دهه‌های اخیر رواج یافته است و مرکب از دو واژه «جهان» و «اسلام» است که به تدریج در ترکیب‌ها و کاربردهای گوناگون به کار رفته است. به مجموعه‌ای از کشورها با ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خاص - که مشخصه اصلی و مشترک اعضای یک کلیت در قرن اخیر است - واژه جهان اطلاق شده است. اصطلاح جهان اسلام، اول بار در سال ۱۹۰۶ میلادی در کتاب ساموئل مارینوس زویمر ۱ آمده است که پیش از آن جغرافی‌دانان اسلامی از اصطلاح سرزمین‌های اسلامی، مملکت اسلامی، مملکت اسلام و بلاد اسلامی استفاده می‌کردند (مؤمنی، ۱۳۸۶: ۱-۳). اندیشمندان، معیارها و رویکردهایی مانند رویکرد بین‌المللی و دولت-ملت محور شامل کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی (گلی زواره، ۱۳۷۲: ۶۱)، رویکرد کشور محور یعنی کشورهایی که دارای بیشترین جمعیت مسلمان هستند (اسعدی، ۱/۱۳۶۶: ۱) و رویکرد جمعیت محور شامل جمعیت مسلمانان در هر نقطه‌ای از کره زمین را در تعریف این مفهوم در نظر گرفتند. به نظر می‌رسد، رویکرد مهم دیگری را در تعریف جهان اسلام می‌توان یادکرد و آن رویکرد امت محور است؛ در این رویکرد، اصطلاح جهان اسلام توصیفی چشم‌گیر است برای مجموعه‌ای از کشورها، مناطق و جامعه‌هایی که مسلمانان در آن‌ها در بیشترین هستند و از قرن هفدهم میلادی به اعتبار انکشاف تاریخی فرهنگ اسلامی با یکدیگر پیوند می‌یابند. این اصطلاح، وحدتی فرهنگی میان همه مسلمانان را مفروض می‌گیرد و برای این وحدت، ارزشی بیش از همه ویژگی‌های ملی و سنت‌های اجتماعی-تاریخی قائل می‌شود. از این رو، این تصور و رای اصطلاح جهان اسلام نهفته است که این جهان، وحدت خود را با دین اسلام حفظ کرده است. راینهارد شولتسه از این رویکرد در با عنوان «سرزمین فرهنگی» با ویژگی‌های قومی یاد می‌کند (شولتسه، ۱۳۸۹: ۱)

چیستی وحدت و هم‌گرایی: می‌توان وحدت را به معنای اشتراک همه افراد ملت در آمال و مقاصد، که مجموعه‌ای واحد به شمار می‌روند، نام‌گذاری کرد. منظور از وحدت مذاهب اسلامی، کنار گذاشتن مسائل اختلافی، تکیه بر مشترکات و مبنا قرار دادن آن‌ها در تعامل با یکدیگر و مسائل مربوط به جهان اسلام و صحنه بین‌المللی است؛ به گونه‌ای که مسلمانان فارغ از اختلافات و با پرهیز از تفرقه در مسائل جهان اسلام، به صورت



هم‌سو و هم‌جهت حرکت کنند (جعفریان، بی تا: ۱۲۴)؛ بنابراین، مراد از وحدت، برداشتن موانع و پیشگیری از اموری است که باعث جدایی، کینه و دشمنی میان مسلمانان می‌شود؛ از طرفی، دست دشمنان اسلام بر آنان دراز می‌شود و از طرف دیگر، در درون خود گرفتار می‌شوند و از حرکت، پیشرفت، رفع فقر و جهل و حل مشکلات جامعه بازمی‌مانند. عقل دینی و خرد جمعی حکم می‌کند که حفظ آرمان‌های اصلی، مهم‌تر از منازعات و دعوای بخشی‌نگر است (شهیدی، ۱۳۷۸: ۶۳).

وحدت در این تحقیق با مفهوم هم‌گرایی^۱ قرابت معنایی دارد که عبارت از فرایندی است که بازیگران سیاسی چندین واحد ملی مجزا طی آن ترغیب می‌شوند تا وفاداری‌ها، فعالیت‌های سیاسی و انتظارات خود را به‌سوی مرکز جدیدی معطوف کنند که نهادهای آن مرکز از صلاحیتی برخوردار هستند که دولت‌های ملی موجود را تحت پوشش خود بگیرند یا چنین صلاحیتی را می‌طلبند (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۸۴: ۶۹۷؛ سیف‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۹۲). هم‌گرایی، به عبارت دیگر، فرایندی است که طی آن دولت‌ها یا واحدهای سیاسی برای دستیابی به اهداف مشترک خود، به‌طور داوطلبانه و آگاهانه، بخشی از حاکمیت و اقتدار عالی خود را به مرکزی فراملی واگذار می‌کنند (کاظمی، ۱۳۷۰: ۳).

۱-۲. روش تحقیق

برای درک و فهم پدیده‌ها می‌توان آن‌ها را به‌صورت تاریخی مطالعه کرد؛ براین اساس، در پژوهش حاضر از یک‌سو مسئله وحدت و هم‌گرایی به‌صورت تاریخی بررسی می‌شود و از سوی دیگر، گفتار و رفتار عالمان دینی نسبت به این مسئله با روش توصیفی-تحلیلی سنجش و واکاوی می‌شود.

۲. عالمان دینی و راهبردهای وحدت و هم‌گرایی

بنابر رسالت عالمان دینی، فعالیت و مأموریت آنان مربوط به کل گیتی است و هیچ‌گونه مرز جغرافیایی و سیاسی آن را محدود نمی‌سازد. عالمان دینی برای تحقق آرمان خود-یعنی برقراری نظام جهان‌شمول اسلام، تشکیل امت واحده جهانی در سراسر گیتی با پیشوایی صالحان و مستضعفان، تبلور ارزش‌های اسلامی در زندگی بشر، آزادی کامل انسان از انواع قیدها و اسارت‌های فکری، زائد و مخرب، پایان مناقشه‌ها و رفع مخاصمات، تأمین ثبات، آرامش و امنیت در جوامع- نیازمند حضوری توانمند در سطح

1. Integration.

ملی و فراملی هستند (مظاهری و رحمانی، ۱۳۹۱: ۴۴). در واقع، وظیفه و رسالت اصلی عالمان دینی این است که «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» را تبلور ببخشند و این مهم، جز در سایه وحدت و هم‌گرایی امکان‌پذیر نیست؛ از این‌رو، وظیفه و رسالت جهانی عالمان دینی، سوق دان جامعه به سمت وحدت و هم‌گرایی است که نقش‌ها، گفتارها و رفتارهای زیادی را در این مسیر به عهده می‌گیرند تا جامعه به مقصد وحدت و هم‌گرایی برسد. در این بحث، راهبردهایی که عالمان دینی برای رسیدن به وحدت و هم‌گرایی ارائه دادند بررسی می‌شود.

۱-۲. عالمان دینی به‌مثابه عوامل و عناصر وحدت‌آفرین

پیش از بررسی راهبردهایی که عالمان دینی در زمینه وحدت و هم‌گرایی مطرح کرده‌اند، لازم است این نکته را بدانیم که با مرور و مطالعه تاریخ اسلام، عالمان دینی به‌مثابه عاملان و عناصر اصلی وحدت و هم‌گرایی در تاریخ اسلام بوده‌اند. اندیشه وحدت میان مذاهب اسلامی یکی از موضوعاتی است که در طی چهارده قرن پس از بعثت رسول اکرم (ص) در کنار همه منازعات و اختلافاتی که میان گروه‌های مذهبی، به‌ویژه دو مذهب اصلی شیعه و سنی، مطرح بوده است. بررسی و تحلیل روند تحولات جامعه اسلامی و جهان اسلام از وحدت به تفرقه، به‌ویژه در بُعد سیاسی، از آن جهت ضرورت دارد که تاریخ- از منابع شناخت- درس‌های عبرت‌آمیزی به انسان می‌دهد و این مسئله به‌طور عینی و تجربی قابل اثبات است.

با قاطعیت می‌توان گفت که همه واگرایی‌ها و نزاع‌هایی که در تاریخ اسلامی ثبت شده‌اند، از قدرت نشئت گرفته شده‌اند و نه از مذهب؛ پس باید واگرایی‌ها را سیاسی بدانیم؛ نه مذهبی (بنگاش، ۱۳۹۵: ۲۲۹) و هرچه جامعه اسلامی به‌شیوه کمی رو به گسترش رفت، واگرایی‌های زائد رقابت قدرت‌ها و حکومت‌های اسلامی و تفاوت‌های فرهنگی، فکری، اقتصادی موجود در منطقه‌های مسلمان‌شده بیشتر خودنمایی می‌کرد و در عین حال لزوم اتحاد اسلام و جلوگیری از دشمنی و برادرکشی بیشتر احساس می‌شد (حائری، ۱۳۹۳: ۴۷).

در اینجا به برخی نقش‌های عالمان دینی در خاموش کردن فتنه تفرقه در طول تاریخ به‌صورت گذرا اشاره می‌کنیم. در قرون اولیه، علی‌رغم فضای سیاسی نامناسب، عالمان دینی مذاهب اسلامی تلاش کردند با نوشتن کتاب‌هایی مانع تفرقه شوند و وحدت را در جامعه ترویج کنند. شیخ طوسی در خاتمه کتاب «تهذیب الاحکام»، یکی از کتب اربعه

تشیع، نوشته است: من در ابتدا روایات اهل سنت را هم ضمیمه کردم؛ اما دیدم کتاب خیلی طولانی می‌شود؛ بنابراین، آن‌ها را حذف کردم» (طوسی، ۱۴۲۸ ه.ق/۳: ۳۷۳؛ واعظزاده خراسانی، ۱۳۸۶: ۲۷۱). نگاشتن آثار مقارن در میان عالمان دینی امر رایجی بوده است؛ کتاب‌هایی مانند مقتل‌الحسین خوارزمی حنفی، کتاب‌النقض عبدالجلیل قزوینی از این نوع آثار هستند. خواجه نصیر طوسی شیعی نیز با ساخت رصدخانه خود در مراغه گروهی از اندیشمندان و دانشمندان شیعه و اهل تسنن را گردآورد و بدون هیچ اجحافی به هیچ‌کدام، اجازه انتشار اندیشه‌هایشان را فراهم کرد. علامه حلی، عالم بزرگ شیعه، را می‌توان به‌نوعی شاگرد خواجه نصیر دانست که در کم کردن دامنه اختلافات مذهبی میان این دو مذهب تلاش زیادی کرد. به‌جز این‌ها ما در این قرون شاهد انتشار نظرات دانشمندان و متفکران اسلامی زیادی هستیم که قصد کم کردن فاصله‌هایی دارند که طی تاریخ به وجود آمده‌اند (جعفریان، ۱۳۸۸).

در مقابل، امپراتورها و مقامات مذهبی کلیسا برای حمله به سرزمین‌های اسلامی، علاوه بر تهییج مسیحیان با روش‌های مختلف و فعالیت‌های تبلیغی و سیاسی-نظامی، به تفرقه و تشتت و اختلاف داخلی مسلمانان نیز دامن می‌زدند و به‌روش‌های گوناگونی در تشدید آن می‌کوشیدند. الکسیوس کومنوس، امپراتور بیزانس، کوشش می‌کرد با پرداخت رشوه و فتنه‌انگیزی در جهان اسلام از ناسازگاری موجود در جهان اسلام بهره برده و آنان را بیش از پیش به جان یکدیگر بیندازد؛ با تقاضای وی از پاپ اوربان دوم، هزاران نفر به بیت‌المقدس هجوم آوردند و کشتار فجیعی را راه انداختند که نخستین جنگ صلیبی (۱۰۹۶-۱۰۹۹ م) شکل گرفت. جنگ‌های صلیبی حدود ۲۰۰ سال به طول انجامید؛ اما آنان به هدف خود یعنی دستیابی بیت‌المقدس نرسیدند. سرانجام، جنگ‌های صلیبی با سقوط سرزمین‌های اسلامی، شکاف مهمی بر پیکر جهان اسلام وارد ساخت و به افزایش و تشدید ضعف و پراکندگی مسلمانان منجر شد و در سال ۶۵۶ به سقوط عباسیان منجر شد. در این دوره، مغولان و صلیبیان با اتحاد یکدیگر به وحدت و یکپارچگی جهان اسلام آسیب جدی رساندند (موثقی، ۱/۱۳۹۴: ۱۹۱ - ۱۹۸). در این دوره، اروپایی‌ها و صلیبی‌ها، در ادامه دشمنی و تعارضات گذشته با جهان اسلام، دسیسه‌هایی را در داخل برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان تدارک می‌دیدند و از خارج به قلمروی اسلامی نیز حمله‌ور شدند؛ به‌طوری که حتی اکتشافات، سفرهای علمی و تحقیقات آن‌ها در همین راستا قرار می‌گیرند (همان: ۲۰۱ - ۲۰۲).



پس از این دوره، آغاز پادشاهی صفویه و عثمانی را شاهدیم که در ادعای خلافت، جز فزون‌خواهی و بهره‌کشی از مسلمانان ستم‌دیده و فرمانروایی مادی و معنوی بر جهان اسلام، آرمانی نداشتند. آنان حتی در راه ستیز با یکدیگر با دولت‌های اروپایی همکاری می‌کردند (حائری، ۱۳۹۳: ۵۴ - ۵۵). امپراتوری عثمانی - به سبب آرمان‌های فزون‌خواهانه خود - از عوامل عمده واگرایی و کشتارهای بی‌رحمانه توده‌های محروم به شمار می‌آمد، شریک بزهکاری‌ها و جنایت‌های آن سیاست‌گذاران نیز صفوی بودند (همان: ۶۹).

در این دوره، عالمان بزرگی چون شمس‌الدین محمد بن مکی جبل عاملی حصارهای تنگ مذهبی را شکستند، برای شکل‌گیری وحدت اسلام تلاش‌های بسیاری کردند و در مراکز علمی مهم جهان اسلام - نظیر بغداد، دمشق، الخلیل، مصر، مکه و مدینه - تدریس می‌کردند؛ به گونه‌ای که بسیاری از عالمان این شهرها اجازه روایت را از ایشان می‌گرفتند (مجلسی، ۱۳۶۳/۱۰۴: ۱۹۰). ایشان اندیشمندان بزرگی را پرورش دادند، مسافرت‌هایی به دیگر بلاد اسلامی - از جمله مصر، فلسطین، سوریه، مکه و مدینه - داشتند و از علمای شیعه و سنی آن شهرها بهره می‌بردند. شهید، مدتی در دمشق ساکن شد و به تدریس فقه مذاهب اسلامی اشتغال یافت؛ بدین منظور، به دمشق نیز معروف شده است (خوانساری، ۱۳۹۰/۷: ۵۴). عالمان دینی به فقه مذاهب اسلامی و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز توجه جدی داشته‌اند؛ شهید، از ترویج‌دهندگان این تفکر است که خود سرانجام قربانی تعصبات مذهبی شد و به شهادت رسید و به همین دلیل به شهید اول ملقب شد (حسینی‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۰۸). شهید ثانی نیز، مانند شهید اول، به شهرها و مراکز علمی اسلامی مسافرت کرد و علوم اسلامی را نزد بسیاری از شیوخ و علمای اهل سنت فراگرفت و سپس به جبل عامل بازگشت و به تدریس و قضاوت مشغول شد. شهید ثانی به مذاهب خمسّه تدریس می‌کرد و طبق هر مذهب فتوا می‌داد (افندی، ۲/۱۴۰۱: ۳۶۵).

این وضعیت در میان سایر عالمان دینی نیز امتداد یافت؛ مثلاً در دوره صفویه - که به دلیل منازعات و شرایط سیاسی، شرایط اندکی تغییر کرد و رشد منازعات مذهبی تحت تأثیر شرایط سیاسی قرار داشت - سلطان سلیم عثمانی به فتوای شیخ‌الاسلام خود ده‌ها هزار شیعه را قتل‌عام کرد (حسینی‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۶۱). هم‌زمان با رشد اختلافات مذهبی، عالمان دینی سیره علمای سلف را در برخورد با مخالفان رعایت می‌کردند و این سیره و سنت تغییرناپذیر عالمان ابرار بوده و هست. در همین دوره سخت صفویه، محقق کرکی، - پس از فراگیری فقه شیعه - برای آشنایی با کتب اهل سنت در حدود سال ۹۰۵ هجری



ایرانی به دمشق، مصر و مکه سفر کرد (نصرالله، ۱۹۸۶ م: ۱۳۵) و سالیانی چند نزد بزرگان اهل سنت به تحصیل پرداخت و از آنان اجازه نقل حدیث دریافت کرد (مجلسی، ۱۳۶۳/۱۰۵: ۴۷ - ۴۸)؛ وقتی وی وارد شهر هرات شد و متوجه قتل سعدالدین تفتازانی، عالم بزرگ شهر هرات و شیخ الاسلام دولت تیموری، به جرم سنی بودن به دستور شاه اسماعیل در درگیری بین صفویه و ازبک‌ها شد، بسیار برآشفته شد و تا آخر عمر بر این حادثه تأسف می‌خورد (حسینی‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۲۱).

سرانجام، پیشروی‌های عثمانی‌ها در اروپا - پس از ناکام ماندن یورش سلطان سلیمان به وین - در سال ۹۳۶ هجری ایرانی رفته‌رفته بازایستاد. پس از آن، جنبش رنسانس در اروپا اوج گرفت و دانش‌های تجربی و نظامی و فلسفه یونان دوباره زنده شد. اروپایی‌ها - با به کار انداختن کشتی‌های بزرگ در اقیانوس‌ها و پیاده کردن نیروی نظامی در کرانه‌های کشورهای اسلامی - راه‌های بازرگانی سنتی کشورها را از ارزش و کارایی انداختند. واکنش مسلمانان در برابر پیشرفت‌های غرب بسیار منفی بود و رهبران مذهبی، آموختن و به کار بردن علوم نو را منع می‌کردند. جهان اسلام - به جای کوشش در آموختن و آموزش دادن دانش‌ها، هنرها و پدیده‌های نو - ابراز نفرت می‌کرد و آن را نشانه کفر و الحاد به شمار می‌آورد. در نتیجه، این برخوردها پیامدی جز واپس ماندگی گسترده‌تر و ناتوانی در زمینه‌های نظامی، اقتصادی، علمی و فرهنگی نداشت و هرچه زمان می‌گذشت، کشورهای اسلامی یک‌یک در دام استعمار و استثمار غربیان می‌افتادند. سرآغاز استعمارگری کشورهایی مانند اسپانیا، پرتغال، انگلستان، هلند، فرانسه و سپس روسیه شد (حائری، ۱۳۹۳: ۵۹)؛ بنابراین، جهان اسلام با ضعف دولت‌های عثمانی، ایران و هند و ایجاد تفرقه، اختلافات داخلی، جنگ‌ها، منازعات مرزی و امثال آن موقعیت مساعدی برای هجوم غرب فراهم کرده بودند (موثقی، ۱/۱۳۹۴: ۲۱۳ - ۲۱۴).

در این شرایط، که جهان اسلام با مسئله استعمار و عقب‌ماندگی مواجه شده بود، صدای بلند فریادگران وحدت و بیداری اسلامی از برخی مناطق دنیای اسلام به گوش می‌رسید که نمونه آن سید جمال‌الدین افغانی است. سید، پس از توصیف وضع اسف‌بار آن روز جهان اسلام، در یکی از نامه‌هایش می‌نویسد:

«یا للمصیبه! یا للرزیه! این چه حالت است؟ این چه فلاکت است؟ مصر و سودان و شبه‌جزیره بزرگ هندوستان را که قسمت بزرگی از ممالک اسلامی است، انگلستان تصرف کرده؛ مراکش و تونس و الجزایر را فرانسه تصاحب کرده؛ جاوه و جزایر بحر

محیط را هلند مالک الرقاب گشته؛ ترکستان غربی و بلاد وسیعۀ ماوراءالنهر و قفقاز و داغستان را روس به حیطۀ تسخیر آورده؛ ترکستان شرقی را چین متصرف شده و از ممالک اسلامی جز معدودی بر حالت استقلال نمانده؛ این‌ها نیز در خوف و خطر عظیمند. شب را از ترس اروپاییان خواب ندارند و روز را از وحشت و دهشت مغربیان آرام نیستند. نفوذ اجانب چنان در عروقتان سرایت کرده که از شنیدن نام روس و انگلیس بر خود می‌لرزند و از هول کلمۀ فرانسه و آلمان مدهوش می‌شوند. این همان ملت است که از پادشاهان بزرگ جزیه می‌گرفتند و امرای عالم با کمال عجز و انکسار به دست خود باج بدیشان می‌دادند. امروز کارشان به‌جایی رسیده که در بقا و حیات‌شان اهل عالم مأیوسند و در خانۀ خود زیردست و توسری‌خور اجانبند. هر ساعت به حیلۀ ای بیچارگان را بترسانند و هر دم به نیرنگی روزگارشان را سیاه و حالشان را تباه سازند. نه پای گریز دارند و نه دست ستیز. پادشاهان‌شان به ملوک دیگر فروتنی آغازند تا مگر چهار صبحی زندگی کردن بتوانند. ملت‌شان پناه به خانۀ این‌وآن برند شاید اندکی راحت شوند. آه آه این چه فاجعۀ عظیمی است؟ این چه بلایی است که نازل گشته؟ این چه حالی است که پیدا شده؟ کو آن عزت و رفعت؟ چه شد آن جبروت و عظمت؟ کجا رفت آن حشمت و جلال؟ این تنزل بی‌اندازه را علت چیست؟ این مسکنت و بی‌چارگی را سبب کدام است؟ آیا می‌توان در وعده‌الهی شک کرد؟ معاذالله! آیا می‌توان از رحمت خدا مأیوس شد؟ نستجیر بالله! پس چه باید کرد؟ سبب را از کجا پیدا کنیم؟ علت از کجا تفحص کرده و از که جويا شویم؟ جز اینکه بگوییم «ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یرغروا ما بانفسهم» (حائری، ۱۳۹۳: ۱۳۵).

عالمان دینی در این دوره با تفرقه و عامل اصلی آن، یعنی سیاست‌های استعماری، نیز به مبارزه برخاستند؛ برای نمونه، زمانی که انگلیسی‌ها عراق را اشغال کردند، عراق بخشی از عثمانی و تحت ظلم و ستم آنان بود و بیشتر کارگزاران عثمانی افرادی سخت‌گیر و فاسد بودند که در شهرهای مختلف غیرقانونی و با زور خود اموال مردم را می‌گرفتند و مالیات‌های سنگینی وضع می‌کردند؛ به‌گونه‌ای که گاه مردم ترجیح می‌دادند اصل اموال خود بدهند تا از شر مالیات آنان رهایی یابند (الخالصی، ۱۳۷۳: ۵۴). بدین ترتیب، در شرایطی که عراق به اتحاد و انسجام نیاز داشت، مردم عراق - به‌ویژه شیعیان - دچار آزار و اذیت عثمانی قرار می‌گرفتند (گلی زواره ایرانشه‌ای، ۱۳۸۲: ۳۴ - ۳۷)؛ به‌طوری که سلطان سلیم تنها در یک روز ۲۵ هزار نفر را در شهرهای سامرا و بغداد به جرم شیعه

بودن به قتل رساند (آل محبوبه، ۱۹۸۹ م/۱: ۳۴۲). خشونت و بدرفتاری عثمانی با عراقی‌ها، به‌ویژه شیعیان، سبب شده بود که نیروهای اشغالگر بپندارند که عالمان دینی شیعه از آنان استقبال خواهند کرد یا دست‌کم، در برابر این اشغالگری ساکت خواهند ماند. انتخاب جنوب عراق شیعه‌نشین، به‌عنوان نقطه آغاز عملیات، در همین راستا صورت گرفت؛ اما استعمارگران خیلی زود به نادرستی پندار خویش پی بردند. آنان در جنوب عراق و در همان روزهای نخست، گروه‌های مسلحی را دیدند که با پیشتازی روحانیت و براساس فتوای مراجع حوزه نجف با همه توان به رویارویی با آنان برخاسته بودند و این مسئله‌ای غیرقابل‌پیش‌بینی برای آنان بود. انگلیسی‌ها از این نکته غفلت کرده بودند که اگرچه کارگزاران ترک- از نظر حوزه نجف- بسیار فاسد بودند و از اسلام- به‌عنوان اهرمی- برای پیشبرد اهداف استبدادی خویش سود می‌جستند، اما با این حال مسلمان بودند و مخالفت و مبارزه با آنان در مقایسه با اشغالگران انگلیس، امری داخلی به شمار می‌آمد (اسماعیلی، ۱۳۷۶: ۴۵ - ۴۶).

رهبری قیام و مبارزه را مرجع بزرگ، سید کاظم طباطبایی، به عهده داشت که پس از رحلت ایشان میرزای شیرازی، جانشین مرجعیت حوزه نجف شد. ویلسون، حاکم انگلیسی‌ها، خود به دیدار میرزا در کربلا رفت و با شیطنت و نیرنگ به میرزای شیرازی پیشنهاد کرد که دولت انگلیس علاقه دارد میرزا، فردی شیعی، را برای کلیدداری و تولید سامرا معرفی کند؛ اما میرزای شیرازی، ضمن آگاهی از نیرنگ ویلسون، بدون درنگ پاسخ داد که کلیددار سامرا شخص بسیار خوبی است و ما با برکناری وی موافق نیستیم. ویلسون، که از راه اختلاف بین شیعیان و سنی‌ها موفق نشد، مسیر سخن را به مسائل ایران تغییر داد و میرزای شیرازی پاسخ داد که ما راجع به مسائل عراق صحبت می‌کنیم؛ نه مسائل ایران و در فرصت مناسبی نظر خود را در مسائل ایران بیان خواهد کرد (صادقی ایرانی، ۱۳۵۸: ۲۶).

بنابراین، سیاست‌های مهم استعمار، دامن زدن به اختلاف‌های مذهبی بود؛ از این رو، حاکم انگلیسی شخصی را نزد آیت‌الله خالصی فرستاد و پیام داد که آنان می‌خواهند شیعیان را از ظلم و ستم حاکمان عثمانی نجات دهند و همه کارهای حکومتی عراق را به شیعیان بسپارند؛ در همان حال، فرد دیگری را نزد شیوخ یوسف سویدی، احمد داوود و ابراهیم الراوی- از عالمان برجسته اهل سنت عراق- فرستادند و آنان را از خطر چیره شدن شیعیان بر عراق و دشمنی آنان با اهل سنت بر حذر داشت. آیت‌الله خالصی، که



انگیزهٔ شیطانی انگلیسی‌ها را خوب می‌شناخت، بی‌درنگ اطلاعیه‌ای صادر کرد و اعلام کرد که انگلیسی‌ها می‌خواهند- برای سرپوش گذاشتن بر اعمال ضدبشری و رهایی خود- بین شیعه و سنی اختلاف بیندازند؛ عالمان دینی شیعی در حوزه‌های علمیهٔ نجف و کربلا هیچ هدفی جز مبارزه با اشغالگران و استعمارگران انگلیسی و بیرون راندن آنان از کشور ندارند و حاکم مسلمان را هرچند سنی باشد، می‌پذیرند (الخالصی، ۱۳۷۳: ۵۷). در واقع، عالمان دینی- چون میرزای شیرازی- با انتشار چنین اطلاعیه‌هایی نقشه‌های تفرقه‌افکنانهٔ استعمار را نقش بر آب کردند. میرزا توانست دیدگاه‌های علمای اسلام و حوزه‌های علمیهٔ نجف و کربلا- که در اثر فریب‌کاری، تبلیغات و سیاست‌های مزدورانهٔ انگلیس تا اندازه‌ای از هم گسسته و پراکنده شده بود- دوباره هماهنگ سازد و حیل‌ها و دسیسه‌های انگلیس را برای حوزه و مردم آشکار کند. ایشان گروهی از بزرگان حوزهٔ نجف- چون میرزا محمدحسین نائینی، میرزا احمد خراسانی، شریعت اصفهانی و ...- را به همکاری و مشاوره و نیز صدور بیانیه‌ها و فتواهای ضد استعماری خود فراخواند. بر اثر سیاست‌های این مرجع بزرگ، اختلاف‌هایی که در اثر توطئه‌های انگلیس بین شیعه و سنی به وجود آمده بودند، از بین رفتند و صف واحدی از مسلمانان در برابر نیروهای اشغالگر به وجود آمد (حائری، ۱۳۶۴: ۱۶۹).

عالمان دینی خوب دریافته بودند که بهترین راه‌ها برای رسیدن به اهداف استعماری، دوگانگی و تفرقه است و استعمارگران از آن، مانند سلاحی بُرنده، برای از بین بردن وحدت مسلمانان و خوار کردن آنان بهره می‌برند؛ برای نمونه فرانسوی‌ها به علامه شرف‌الدین پیشنهاد دادند، که مانند اهل سنت در لبنان، دفتری برای فتوا بگشاید و ریاست معنوی شیعیان را در اختیار گیرد؛ اما علامه این پیشنهاد را رد کرد و گفت که آنجا برای همهٔ مسلمانان، تنها یک دفتر فتوا وجود دارد و عالم اهل تسنن رئیس آن است (همایون مصباح، ۱۳۸۳: ۱۵۵).

از دید بسیاری از عالمان دینی، چون کاشف‌الغطا، استعمار نهایت استفاده را از تفرقهٔ مسلمانان در قضیهٔ فلسطین می‌برند. وی، در سال ۱۳۵۰ هجری ایرانی، در «مؤتمر اسلامی» در فلسطین شرکت کرده بود که در این اجلاس بزرگ، جمعیت انبوهی از شرکت‌کنندگان همایش پشت سر او نماز خواندند و ایشان نیز خطبه‌ای تاریخی ایراد کرد که چند مرتبه در نشریات معتبر دنیای اسلام منتشر شد (موتقی، ۱۳۹۴: ۱۱۷-۱۱۸). از دید وی، استعمار، مهم‌ترین عامل تفرقه به حساب می‌آید. ایشان استعمار و آمریکا را خطاب قرار داده و نوشت:

«از مسلمانان دعوت می‌کنید با شما هدف مشترکی در پیش گیرند و هم‌پیمان شما گردند و در عین حال به آنان حمله می‌کنید و از وطن‌شان می‌رانید، با دستی به صورت‌شان سیلی می‌زنید و با دست جنایتکار دیگر مورد مرحمت قرار می‌دهید (کاشف‌الغطا، ۱۳۵۶: ۳۵). علامه، سه کشور فرانسه، انگلستان و آمریکا را در رأس دولت‌های استعماری دانسته و این سه کشور را سه‌گانه شوم «الثالوث المشؤوم» نام‌گذاری کرد که آمریکا نیز در رأس این سه استعمارگر قرار دارد (کاشف‌الغطا، ۱۹۵۴ م: ۴۴).

۲-۲. عوامل و موانع وحدت و هم‌گرایی

زمانی که علل نابسامانی و تفرقه در جهان اسلام را مطالعه می‌کنیم، درمی‌یابیم که دشمنان اسلام - به‌ویژه استعمار - پیوسته کوشیده‌اند تا در راه تحقق وحدت و هم‌گرایی در جهان اسلام مانع ایجاد کنند. روشن است که مهم‌ترین علت واگرایی جهان اسلام از خارج از مرزهای اسلامی هدایت می‌شود و اراده بیگانگان، مشهود و معلوم است؛ اما این تنها علت واگرایی نیست، بلکه مسئله به‌طوری رشد کرده است که در بسیاری از مواقع نیاز به حضور دشمنان نبوده است و واگرایی از درون جوامع اسلامی ظهور کرده و کسانی به تفرقه‌افکنی و ایجاد شکاف در صفوف مسلمین در داخل مرزهای اسلام پرداخته‌اند. از این رو، تهاجم گسترده غرب به جهان اسلام بازتاب‌های گوناگونی را در پی داشت. علل بیرونی و واگرایی و نابسامانی در جهان اسلام، استعمار و سیاست‌های کشورهای سلطه‌گر است؛ استعمارگران برای واگرایی و به حاشیه راندن هم‌گرایی در جهان اسلام، سیاست‌های مختلفی در پیش گرفته‌اند که هرکدام سهمی به‌سزا در واگرایی اسلامی داشته‌اند که گذشت (برای اطلاع بیشتر رک: کاظمی، ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴)؛ البته علل درونی و واگرایی در جهان اسلام کم‌اهمیت نیستند و بخش مهمی از عوامل و موانع وحدت درونی هستند. در موارد زیادی نیز همین عوامل داخلی، بازیگران و عاملان سیاست‌های استکبار هستند و با وام گرفتن از تجربه تاریخی غرب و به کمک آنان، منازعات مذهبی و تاریخی اسلامی را برجسته می‌سازند و تلاش دارند مؤلفه‌های وحدت‌بخش در جهان اسلام را به چالش کشیده و به حاشیه ببرند. آنان با مطرح کردن اختلافات مذهبی و تاریخی، ترکیب و به‌کارگیری آن مفاهیم عملاً در پی سیاست‌های خویش در جهان اسلام هستند (کاظمی، ۱۳۹۴). در مجموع، عصبیت‌های مذهبی نابجا نسبت به مذاهب، جهل و نسبت‌های ناروا (صفوی، ۱۳۸۷: ۴۱)، اختلافات و نزاع‌های مذهبی بی‌پایان و بی‌فایده (جعفریان، ۱۳۸۸)، حاکمیت دولت‌های خودکامه و استبداد داخلی در کشورهای اسلامی (ولایتی و



سعید محمدی، ۱۳۸۹: ۱۶۸ - ۱۶۹)، وجود ناهمگونی در نظام‌های حکومتی و ساختارهای سیاسی کشورهای اسلامی، عصبیت‌های قومی و جنبه‌های ناسیونالیستی و ملی‌گرایی افراطی، جدایی دین از سیاست، بحران مشروعیت در جهان اسلام (موثقی، ۱۳۷۸: ۷۴ - ۱۰۱) از مهم‌ترین علل درونی واگرایی هستند که بسیاری از کشورهای اسلامی به دام آن افتادند که حاصل آن تفرقه و واگرایی بوده است (همان: ۱۷۲).

۳-۲. راهبردهای وحدت و هم‌گرایی در جهان اسلام

شاید بتوان دستیابی به وحدت و هم‌گرایی در ابعاد گوناگون اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در قرن بیست‌ویکم را اصل محوری برنامه‌های اغلب علما و دانشمندان به شمار آورد (حسن پور، ۱۳۸۳: ۶۸)؛ این طرح‌ها برخی تا حدودی عملی شدند و برخی دیگر در حد طرح باقی ماندند و همچنان به امید موفقیت به فعالیت‌های خود ادامه می‌دهند (جلالی، ۱۳۸۹: ۳۳۹ - ۳۶۵؛ واعظ‌زاده، ۱۳۸۲: ۱۹ - ۵۰).

راهبرد تاریخی، از راهبردهای عالمان دینی است. بسیاری از عالمان دینی معتقدند که وحدت و هم‌گرایی در جهان اسلام براساس الگوگیری از گزارش‌ها و تجربه تاریخی اسلام امکان‌پذیر است و وحدت مشهودی در تاریخ اسلامی وجود داشته و در سرتاسر دوره اسلامی، همواره بحث وحدت از مباحث جدی و پردامنه بوده است. در واقع، عالمان دینی مذاهب اسلامی در همه دوره‌ها تلاش کردند تا مسائل تفرقه‌آمیز را از بین ببرند و وحدت را در جامعه حکم‌فرما کنند؛ بنابراین، بیشتر تاریخ جهان اسلام، تاریخ وحدت و هم‌گرایی است؛ نه واگرایی و تفرقه (امیراردوش، ۱۳۹۴؛ برای اطلاع بیشتر رک: کاظمی، ۱۳۹۹ الف: ۸۹ - ۱۱۳).

از دید این جریان، مسئله اقتباس از تمدن غربی در زمینه علوم و فنون و پیشرفت‌های علمی و صنعتی در چهارچوب احیای تفکر دینی، که یکی از ارکان آن اصل اجتهاد بود، برای رشد و تقویت جامعه اسلامی ضروری به نظر می‌رسد. به‌طورکلی، خصیصه‌ها و مقاصد اساسی جریان بیداری اسلامی را می‌توان در سه عنوان خلاصه کرد که عبارت‌اند از: ۱. پیراستن و زدودن عقاید مسلمانان از خرافات و پیرایه‌ها و بازگشت به اسلام اصیل؛ ۲. هماهنگ کردن دستورها و راهکارهای دینی با عقل و مقتضیات زمان؛ ۳. استقلال‌طلبی و وحدت یکپارچگی مسلمانان در مقابل استعمار فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و سلطه نظامی غرب (عنایت، ۱۳۶۹: ۳۶).

راهبرد تقریب مذاهب اسلامی یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین راهبردها برای هم‌گرایی و وحدت اسلامی است. در واقع، این راهبرد را الگوی تقریب مذاهب اسلامی (جماعه‌التقریب بین المذاهب الاسلامیة) سروسامان داد و به‌شکل راهبردی مهم درآورد (موثقی، ۱/۱۳۹۴: ۶۶۲ - ۶۶۶). اندیشه وحدت یا اتحاد اسلامی در طی ادوار مختلف به مسیر تقریب مذاهب رهنمون گشت و فکر تقریب مذاهب نیز تقریب فقهی را جدی‌ترین و کارآمدترین مسیر انتخاب کرد (دهستانی، ۱۳۹۵). این نهاد تقریبی به همت دو مرکز محوری فقهی در میان اهل سنت و تشیع یعنی نهاد «الأزهر» و «حوزه علمیه» شکل گرفت. این دو نهاد با چاپ و نشر مشترک آثار فقهی برجسته، فتوای شهیر شیخ شلتوت - مبنی بر جواز عمل به فتاوی فقه امامیه - ارسال فتاوی مشترک، توحید مناسک حج و برخی احکام دیگر وارد مرحله جدیدی از طرح‌های هم‌گرایی شد (ایرانی، ۱۳۸۹: ۲۵۷ - ۲۶۵). شخصیت‌ها و عالمان دینی - مانند شیخ محمد مصطفی مراغی، شیخ مصطفی عبدالرزاق، شیخ عبدالمجید سلیم، شیخ محمود شلتوت، محمدحسین کاشف الغطا، محمدجواد مغنیه و سید هبه‌الدین شهرستانی، آیت‌الله بروجردی، شیخ محمدتقی ایرانی و ... - در این راهبرد جای می‌گیرند (برای اطلاع بیشتر رک: برانر، ۲۰۱۵ م؛ ایرانی، ۱۳۸۹؛ آذرشب، ۱۳۸۴؛ سندبحرانی، ۱۳۹۷).

نقش شیخ شلتوت و آیت‌الله بروجردی در کارایی و برجسته شدن این جریان بسیار دارای اهمیت است (المعاونیة الثقافیة للمجمع العالمی للتقریب بین المذاهب الاسلامیة، ۲۰۰۴ م). بی‌شک این دو عالم از معدود عالمانی بودند که به وحدت اسلامی و تقریب مذاهب اسلامی اهتمامی ویژه داشتند. شیخ محمود شلتوت، با اشاره به نقش ممتاز علما درباره وحدت اسلامی، همه آنان را به وحدت و هم‌گرایی فرا می‌خواند و می‌گوید: «اینک، من بار دیگر به‌نام خدا و به‌نام کتاب خدا و به‌نام وحدت اسلامی و به‌نام چنگ زدن به ریسمان محکم الهی، علمای شیعه و سنی را به تقریب و هم‌بستگی دعوت می‌کنم. مسلماً گرامی‌ترین آنان نزد خدا کسی است که زودتر در این هدف مقدس سبقت گیرد و رخنه‌هایی را که در گذشته میان مسلمین پیدا شده است، ببیند و مجد و شعار ما را که عبارت از وحدت اسلامی است به ما بازگرداند» (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۸۵: ۱۸۳).

از طرح‌های سیاسی وحدت و هم‌گرایی در جهان اسلام، خلافت‌گرایی و رهبری واحد در جهان اسلام است. اندیشه رهبرگرایی مبتنی بر «خلیفه»، «ولایت فقیه»، «ولایت بر مسلمین جهان» و «ام‌القری» مطرح گشته‌اند (فیرحی، ۱۳۸۴: ۳۲ - ۴۳). شخصیت‌ها و افرادی چون سید جمال با شعار «اتحاد اسلام» (امین، ۱۳۷۶: ۸۴؛ موثقی، ۱۳۹۴: ۳۳)،



رشید رضا (رشید رضا در جمعی از نویسندگان، ۱۹۹۴ م: ۸۱) و سید قطب (سید قطب، ۱۳۷۷: ۲۰) را از منادیان این راهبرد می‌توان ذکر کرد.

راهبرد و طرح مهم دیگر سیاسی برای وحدت و هم‌گرایی، شورا و نهادگرایی است که پس از ناکامی و انتقادهای به طرح خلافت و متأثر از شرایط جدید بین‌المللی شکل گرفت (میراحمدی، ۱۳۸۲: ۸۶). بسیاری از اندیشمندان، چنین می‌اندیشند که شورا و تصمیم‌های آن برای حاکم الزامی است. مودودی، رشید رضا، محمد عبده، عبدالرحمان کواکبی، توفیق محمد الشاوی، محمد ضیاءالدین الریس و عبدالرزاق احمد السنهوری و بسیاری دیگر معتقدند که نه‌تنها مشورت حاکم با مسلمانان لازم است، بلکه باید نظر شورا را تنفیذ کرده و مطابق با اجماع یا آرای اکثریت عمل کند. نویسندگان «رسالة الخلافه و سلطه الامه» نیز، با تأکید بر وجوب شورا، معتقدند که اصل در حکومت اسلامی عمل به شورا است و حاکم در هر حال، مکلف به مشورت با امت است (جمعی از نویسندگان، ۱۹۹۴ م: ۲۳۶).

عبدالرحمان کواکبی در دو کتاب «طبایع الاستبداد» و «ام‌القری»، محمد ضیاءالدین الریس (فیرحی، ۱۳۸۴: ۱۶۷)، توفیق محمد الشاوی با کتاب «الشوری اعلی مراتب الدیمقراطیه» (فیرحی، ۱۳۸۸: ۱۹۷ - ۲۱۶) و عبدالرزاق احمد السنهوری راهبرد نهادگرایی را تئوریزه کردند که طرح «سازمان همکاری اسلامی» را اندیشه‌های آنان فراهم کرده است (الشاوی، ۱۳۷۷: ۱۶۲).

از راهبردهای سیاسی، که به‌دنبال وحدت و هم‌گرایی در جهان اسلام مطرح شد، دولت‌گرایی یا اتحاد جماهیر اسلامی است. این طرح پس از آن شکل گرفت که موج ناسیونالیسمی، استقلال‌طلبی و تشکیل دولت‌های ملی - پس از انقلاب فرانسه - در جهان حائز به راه افتادند که تأثیر انکارناپذیری بر تحولات سیاسی جهان اسلام بر جای نهاد. این طرح را می‌توان در آثار و اندیشه‌های متفکران مسلمانی چون محمد اقبال لاهوری (اقبال لاهوری، ۱۳۴۶: ۱۸۰) و امام خمینی، رهبر انقلاب اسلامی ایران، شناسایی کرد (ایرانی، ۱۳۸۸: ۷۲).

اصلاح‌طلبی دینی و احیا و بازسازی تفکر دینی از راهبردهای مهم وحدت و هم‌گرایی هستند. این دیدگاه با تعبیراتی مانند بیداری اسلامی نیز یاد شده است (دکمجیان، ۱۳۷۷: ۲۳). این جریان در دو بعد فکری و سیاسی، ایده مقاومت در برابر هجوم سیاسی، فکری، اقتصادی غرب را مطرح کرد که در اصل در زمینه تفکر دینی آغاز شد، اما با موضع‌گیری

شدید سیاسی علیه استعمار و چهره غارتگرانه تمدن غربی، تأثیر عمیقی در زندگی سیاسی - اجتماعی مسلمانان در اواخر قرن ۱۹ گذاشت؛ از این رو، رهبران این جریان برای مقابله با قدرت سیاسی - نظامی و فنی و برتری و سیادت غرب، مسلمانان جهان را به کنار گذاشتن اختلاف، تفرقه‌ها و جدایی‌ها دعوت کرده و ایده وحدت و یگانگی مسلمان را از همه مذاهب در سطح جهان مطرح کردند (موثقی، ۱/۱۳۹۴: ۳۲۰ - ۳۲۱). بدون تردید، تعداد زیادی از عالمان دینی در این راهبرد قرار می‌گیرند؛ از این رو، این راهبرد از جهت اندیشمندان اسلامی بسیار غنی است و شخصیت‌های برجسته‌ای از فرق مختلف اسلامی در این جریان جای می‌گیرند. علمای بزرگ شیعه در تاریخ معاصر، مانند قرون گذشته، مؤثرترین و مهم‌ترین فعالیت‌ها و آثار را برای بیداری و وحدت اسلامی بر جا گذاشتند؛ چهره‌هایی مانند میر حامدحسین هندی، به‌ویژه در کتاب عبققات الانوار، علامه شرف‌الدین، به‌ویژه در کتاب‌های نفیسی چون المراجعات، النص و الاجتهاد و الفصول المهمه، علامه محمدحسین کاشف‌الغطا در آثاری متعدد و اقبال لاهوری در احیای تفکر دینی و اصلاح‌طلبی از طلایه‌داران این جریان هستند. این دسته از علما، به‌ویژه علامه شرف‌الدین و کاشف‌الغطا، معتقدند برای رسیدن به تفاهم و هم‌بستگی مذاهب اسلامی و وحدت مسلمانان باید مسائل مورد اختلاف را به‌صورت علمی و با رعایت ادب و احترام طرح و بررسی کرد؛ نه اینکه مسائل را نادیده بگیریم یا کنار بگذاریم (موثقی، ۱۲/۱۳۹۴: ۱۱).

علامه سید عبدالحسین شرف‌الدین عاملی، از بزرگان این جریان، آثار گران‌قدری از خود به یادگار گذاشت؛ تعداد زیادی از آثار ایشان در جریان مبارزات ضد استعماری وی، به‌ویژه علیه فرانسه در لبنان، با غارت خانه و سوختن کتابخانه نفیس ایشان طعمه آتش شدند. پنج اثر الفصول المهمه، الکلمه الغراء، المراجعات و النص و الاجتهاد از مهم‌ترین آثار شرف‌الدین در زمینه وحدت و هم‌بستگی، اصلاح‌طلبی و بیداری هستند (همان: ۱۳ - ۱۴). به تعبیر خود شرف‌الدین در المراجعات، فکر اتحاد اسلامی از آغاز جوانی در ذهن او بوده است؛ او با نگارش کتاب الفصول المهمه فی تألیف الامه - یعنی «فصل‌های مهم در راه متحد ساختن امت اسلامی» - در سال ۱۳۲۷ هجری ایرانی نخستین گام بلند را در راه وحدت امت اسلامی برداشت و اقدامات اصلاحی برای احیای اسلام و عظمت از دست‌رفته مسلمین در جهان اسلام آغاز کرد که از منادیان بزرگ اتحاد اسلامی قرار گرفت. ایشان در کتاب مذکور به آثار و نتایج وحدت پرداخته است و معتقد است زمانی که وحدت کلمه پیدا کردیم و دل‌هایمان با هم پیوند یافت، می‌توان در راه اعتلای امت



اسلامی قیام کرد و مسلمین را در جهان به مقامی که باید برسند، رساند (آقابزرگ ایرانی، بی تا/۳: ۱۱۵ - ۱۱۶).

علامه، پس از مشاهده وضع اسفناک تفرقه، تصمیم به سفر به کشورهای اسلامی گرفت. وی می نویسد: «کاسه صبرم در برابر این مصائب و مشکلات لبریز شد و همه وجودم در این اندوه غرق گشت. این بود که در اواخر سال ۱۳۲۹ روانه مصر شدم، به این امید که در کرانه رود نیل به آرمان خویش نیل پیدا کنم و چنان به دلم گذشت که به پاره ای از آرزوهایم خواهم رسید و بیماری جدایی مسلمانان را درمان کنیم» (شرف الدین عاملی، بی تا: ۲۵؛ موثقی، ۲/۱۳۹۴: ۲۰). وی در این برهه کتاب «المراجعات» را نگاشت که به حق، از آثار ارزنده، اصلاحی و علمی است و گامی بلند و ارزشمند در راه تفاهم و همبستگی اسلامی به شمار می آید. این کتاب دربرگیرنده ۱۱۲ نامه ایشان است که حقایق بسیاری را بحث و بررسی کرده است و نشان دهنده نماد همبستگی و تفاهم به حساب می آید و به گفته شیخ سلیم: «به سان سیلی است که از قله های کوه خیزد» (حکیمی، ۱۳۶۱: ۱۲). بحث های علمی و مناظرات شرف الدین و شیخ سلیم با امضای «ش»، نمایانگر اسم شرف الدین و مذهب شیعه او و امضای «س»، اسم سلیم و مذهب سنی ایشان بود (همان: ۱۳۶ - ۱۳۸). استاد حسین عبدالغفار مصری، هنگام خواندن این کتاب، می نویسد: «من خدا را گواه می گیرم که هنوز خواندن این کتاب را تمام نکرده بودم که افکارم درباره شیعه تغییر کرد و احساس کردم که باید برای تفاهم و وحدت میان این دو فرقه اسلامی کاری انجام دهم» (همان: ۲۴۴).

شیخ محمدحسین کاشف الغطا از بزرگان و نامداران جریان بیداری است. زندگی کاشف الغطا مملو از حوادث سیاسی، اجتماعی و اصلاحی است و او را به حق باید از مفاخر و از منادیان وحدت، اصلاح و بیداری اسلامی در جهان اسلام دانست. وی در طول حیات پر بارش، فعالیت های قلمی و قدمی فراوانی برای ترویج و احیای اسلام، اصلاح و مجد آن، بیداری مسلمانان و همین طور مبارزه با استعمار به یادگار گذاشت. او برای آگاهی از دردهای جامعه اسلامی و درمان آن به نقاط مختلف سرزمین های اسلامی سفر کرد و ضعف، عقب ماندگی، تجزیه مسلمانان و خسارات آنان از استعمار را از نزدیک مشاهده کرد. وی در عراق شاهد شگردها و نیرنگ های استعمار بود و به خوبی دست های کثیف آنان را در تحولات داخلی عراق و جهان اسلام مشاهده می کرد؛ همین امر باعث شد فعالیت های بیدارگرایانه و مبارزه با استعمار را در رأس برنامه ها و فعالیت های



اجتماعی و سیاسی خود قرار دهد که در همین راستا از بزرگ‌ترین منادیان اتحاد ملل اسلامی و هم‌گرایی شد و تا آخر عمر خود از هیچ تلاشی در این راه فروگذار نکرد. کاشف‌الغطا در سفرها و فعالیت‌های خود بر ضرورت و لزوم هم‌بستگی اسلامی و وحدت مسلمانان تأکید فراوان داشت و مبارزات ضد استعماری وی در پیوند با آرمان وحدت و هم‌گرایی اسلامی بود (موثقی، ۲/۱۳۹۴: ۱۱۳ - ۱۱۵). بی‌تردید، بیشترین تلاش کاشف‌الغطا صرف آگاهی بخشیدن و بیداری عموم مسلمانان در مسائل مشترک جهان اسلام، از قبیل فلسطین و سلطه استعمار و ضرورت قیام برای کسب استقلال، شد. وی، در کتاب «اصل الشیعه و اصولها»، در بحثی با عنوان «کیف یتحد المسلمین» به تلاش‌های اصلاح‌طلبان پیشین اشاره دارد و از شخصیت‌های سید جمال، عبده و کواکبی به‌عنوان پیشگامان وحدت، اصلاح‌طلبی و بیداری نام می‌برد (همان: ۱۲۳).

این عالم در راه اصلاحی خویش به کشورهای اسلامی زیادی سفر کرد و در این کشورها برنامه‌ها و فعالیت‌های تقریبی و اصلاحی خود را دنبال می‌کرد. وی در سال ۱۳۵۰ هجری ایرانی به فلسطین رفت و در «مؤتمر اسلامی» شرکت کرد. مفتی بیت‌المقدس شخصاً، از سوی مجلس اعلای فلسطین، از کاشف‌الغطا دعوت کرد تا در این کنگره شرکت کند. بیش از هفتاد هزار مسلمان از شهرهای مختلف فلسطین در بیت‌المقدس گرد آمده بودند تا سخنان دانشمندان اسلامی را بشنوند. سید حبیب عبیدی، مفتی موصل، سید محمد زیاره از یمن، رشید رضا از مصر و اقبال لاهوری از شبه‌قاره هند از مدعوان این همایش بودند (سماک امانی، ۱۳۸۳: ۴۴ - ۴۵) که در این همایش، پشت شیخ نماز خواندند و او را «امام کاشف‌الغطا» لقب دادند (همان: ۵۰ - ۵۱).

شهید سید محمدباقر صدر نیز از شخصیت‌های این جریان است. از دید شهید صدر، اتحاد و هم‌بستگی از شعارهای بزرگ اسلامی است. ایشان نخستین گام را با نگارش مقاله «رسالتنا یجب ان تکون قاعده للوحدة» در مجله «الاضواء» برداشت و در طول عمر خویش، همواره بر این آرمان بزرگ استوار ماند (موسوی، بی‌تا: ۴۲). شهید صدر معتقد بود که آنچه سبب تغییر چهره جامعه اسلامی و از بین رفتن وحدت و اتحاد اسلامی شده، دور شدن مسلمانان از اسلام و بازگشت به ارتجاع و جاهلیت قبل از اسلام است؛ استعمار، جنگ‌های صلیبی، مادی‌گری و بی‌ایمانی نیز این حرکت ارتجاعی را بیشتر دامن زده است (موثقی، ۲/۱۳۹۴: ۲۳۶). شهید صدر تلاش نظری و عملی فراوانی برای وحدت و برادری میان مذاهب و طوایف اسلامی انجام داد و به این نکته مهم اشاره داشت که

هرگاه پرچم اسلام در دست هریک از مذاهب اسلامی قرار گرفت، ما همگی باید به دفاع و حمایت از آن برخیزیم (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۰۳: ۴۴).

شهید مرتضی مطهری از دیگر شخصیت‌های مطرح اصلاح‌طلبی دینی و بیداری اسلامی است. اندیشه‌های اتحاد و اصلاح امت اسلامی در آثار شهید مطهری فراوان دیده می‌شود. از دید استاد مطهری، تلاش برای وحدت مسلمانان، اولین وظیفه داعیان، ارشادکنندگان و آمران به معروف و نهی‌کنندگان از منکر است (جاوید موسوی، ۱۳۸۶: ۱۴۷)؛ به طوری که از منظر ایشان وحدت و هم‌گرایی از اهداف بزرگ اسلام و بلکه بزرگ‌ترین هدف اسلام در امور عملی است (مطهری، ۱۳۷۷/۲: ۲۰۷).

آیت‌الله سید محمدباقر حکیم نیز از شخصیت‌های مطرح این جریان است. ایشان معتقدند که برای اتحاد و هم‌گرایی در دنیای اسلام لازم است اختلاف‌ها و تکره‌های موجود را مدنظر قرار دهیم و از آن‌ها بهره‌گیریم؛ چراکه وقوع اختلاف در دریافت و اجتهاد، طبیعی است و اگر قرار است جامعه اسلامی به پیشرفت و تحول دست یابد، باید توان چندگانگی و هم‌زیستی میان گروه‌ها و اقوام گوناگون را بیابد (حکیم، ۱۴۱۳ ه.ق: ۱۳۸ - ۱۴۰).

آیت‌الله محمدآصف محسنی از آخرین شخصیت‌های تأثیرگذار این جریان است. ایشان، علی‌رغم پدید آوردن آثاری در هم‌گرایی، از نظر عملی نیز گام‌های موفق‌تری برداشتند؛ تأسیس شورای اخوت اسلامی افغانستان با هدف نزدیک کردن دیدگاه‌های علمای شیعه و سنی و جلوگیری از توطئه‌های دشمنان اسلام برای ایجاد نفاق میان مسلمانان، تصویب قانون احوال شخصیه اهل تشیع، عضویت در مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، عضویت در شورای عالی مجمع جهانی اهل‌بیت (علیهم‌السلام) و ... از اقدامات عملی وی به شمار می‌روند. آیت‌الله محسنی معتقد است که ما برای رسیدن به وحدت و هم‌گرایی، نیازمند تولید ادبیات هم‌گرایی، تقریب، عمل و پیاده ساختن اندیشه تقریب از طریق جداسازی افراط‌گرایان از جامعه اسلامی، قطع مداخلات بیگانگان، توجه به دشمن مشترک، مبارزه با عصبیت‌های مذهبی و ملی، ژرف‌اندیشی و اقدام علیه جهالت، پرهیز از توهین به مقدسات، توجه به فقه تقریبی، توجه به مشترکات اسلامی، اقدام‌های عملی و رفتاری، ارتباط با مسلمانان، ایجاد محبت و صمیمیت و شناسایی و برطرف کردن موانع هم‌گرایی هستیم. راهکار آیت‌الله محسنی، «زندگی برادرانه و مؤمنانه» است (کاظمی، ۱۳۹۹: ۷۷ - ۹۹؛ برای اطلاع بیشتر رک: محسنی، ۱۳۷۹، همو، ۱۳۸۲، همو، ۱۳۸۶).

نتیجه‌گیری

وحدت و هم‌گرایی اسلامی مستلزم هم‌گرایی عمل و رفتار به‌همراه اندیشه‌پردازی است. در این مقاله، وحدت و هم‌گرایی اسلامی از منظر اندیشه و رفتار عالمان دینی با روش توصیفی-تحلیلی و به‌صورت تاریخی بررسی شد. سیره و رفتار عالمان دینی در طول تاریخ اسلامی، مبارزه با عوامل و عناصر تفرقه‌انداز بوده است. آنان زمینه‌های هم‌گرایی را در جامعه فراهم می‌کردند و وحدت‌آفرین بودند. گفتار و رفتار ایشان همواره بر حفظ وحدت در جامعه بوده است؛ عوامل تفرقه‌انگیز را شناسایی و با آن‌ها مبارزه می‌کردند. استعمارگران و سیاست‌های استعماری آنان از عمده عوامل تفرقه‌انگیز در جامعه اسلامی بوده‌اند که بخشی زیادی از مبارزات گفتاری و رفتاری عالمان دینی برای ختشی‌سازی سیاست‌های تفرقه‌ای استعمارگران بوده است. معرفی افراط‌گرایان جامعه اسلامی، شناسایی سیاست‌های بیگانگان و قطع مداخلات آنان، توجه به دشمن مشترک، مبارزه با عصبیت‌های مذهبی و ملی و پرهیز از توهین به مقدسات از اقدام‌های عملی و رفتاری عالمان دینی برای برطرف کردن موانع وحدت و هم‌گرایی به‌شمار می‌آیند. این عالمان-علی‌رغم شناسایی عوامل و موانع وحدت اسلامی و رفع آن‌ها- طرح‌ها و راهبردهای ارزشمندی چون بیداری اسلامی و بازسازی تفکر دینی، تقریب فقهی مذاهب اسلامی، رهبرمحوری، شورا و نهادمحوری و دولت‌محوری یا اتحاد جماهیر اسلامی را برای شکل‌گیری وحدت و هم‌گرایی مطرح کردند تا وضعیت نابسامان تفرقه و واگرایی جوامع اسلامی با به‌کارگیری این راهبردها به هم‌گرایی و همکاری مبدل شود.



منابع

۱. قرآن کریم.
۲. اسعدی، مرتضی. (۱۳۶۶). جهان اسلام: اردن، افغانستان، الجزایر، امارات متحده عربی، اندونزی، بحرین، برونی. ایران: مرکز نشر دانشگاهی.
۳. اسماعیلی، اسماعیل (۱۳۷۶) «حوزه نجف در برابر هجوم استعمار». مجله حوزه. شماره (۸۴)،
۴. افندی، میرزا عبدالله. (۱۴۰۱). ریاض العلماء و حیاض الفضلاء. به کوشش احمد حسینی. ایران: کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی.
۵. اقبال لاهوری، محمد. (۱۳۴۶). احیای فکر دینی در اسلام. ترجمه احمد آرام، مؤسسه فرهنگی منطقه‌ای.
۶. امیرادوش، محمدحسین. (۱۳۸۹). تأملی بر مسئله وحدت اسلامی از دیرباز تا دیروز. ایران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، معاونت فرهنگی.
۷. «بررسی تاریخی مناسبات شیعه و سنی - بخش اول». سایت فرهنگی تبلیغی حرم مطهر رضوی.
۸. امین، احمد. (۱۳۷۶). پیشگامان مسلمان تجدیدگرایی در عصر جدید. ترجمه حسن یوسفی اشکوری. ایران: علمی و فرهنگی.
۹. ایرانی، مصیب (۱۳۸۸). «استراتژی وحدت ملی و انسجام اسلامی با توجه به دیدگاه امام خمینی»، اندیشه تقریب. شماره (۱۸)
۱۰. آذرشب، محمدعلی. (۱۳۸۴). پیشینه تقریب: تاریخچه و مستندات دارالتقریب مذاهب اسلامی در قاهره و بررسی مجله آن (رسالة الاسلام). ترجمه رضا حمیدی. ایران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، معاونت فرهنگی.
۱۱. آقابزرگ ایرانی، محمدمحسن. (بی تا). طبقات اعلام الشیعه و هو نقباء البشر فی القرن الرابع عشر. ایران: دارالمرتضی للنشر.
۱۲. آل فرعون، فریق المزهر. (۱۹۵۲ م). الحقائق الناصعه فی الثوره العراقیه سنه ۱۹۲۰ و نتائجها. عراق: مطبعة النجاح.
۱۳. آل محبوبه، الشیخ جعفر. (۱۹۸۹ م). ماضی النجف وحاضرها. لبنان: دارالأضواء.
۱۴. برانر، راینر. (۲۰۱۵ م). التقریب بین المذاهب الاسلامیه فی القرن العشرين: الازهر والتشع محاولات و تحفظات. ترجمه بتول عاصی و فاطمه زراقت. لبنان: مرکز الحضاره لتنمیة الفكر الاسلامی.
۱۵. بنگاش، ظفر. (۱۳۹۵). جهان اسلام؛ فرصت‌ها، چالش‌ها و رسالت‌ها. تدوین یاسر عسگری. ایران: نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه‌ها، دفتر نشر معارف.
۱۶. بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم. (۱۳۸۵). شیخ محمود شلتوت طلایه‌دار تقریب. ایران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
۱۷. _____ (۱۴۰۳). توحید کلمه. ایران: دفتر نشر و فرهنگ اسلامی.

۱۸. الشاوی، توفیق محمد. (۱۳۷۷) «گفتگو با دکتر توفیق محمد الشاوی». فصلنامه حکومت اسلامی شماره (۱۰)
۱۹. جاوید موسوی، سید حمید. (۱۳۸۶). اتحاد اسلامی در آثار شهید مطهری. ایران: صدرا.
۲۰. جعفریان، رسول. «پیشینه وحدت اسلامی به چه دوره‌ای بازمی‌گردد؟». روزنامه آنلاین بهار.
۲۱. _____ (بی‌تا). سیره رسول خدا (ص). [بی‌جا]: مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت (ع).
۲۲. جلالی، غلام‌رضا، (۱۳۸۹). «الگوهای چهارگانه وحدت اسلامی و نظریه میرزا خلیل کمره‌ای». مجله حوزه. شماره (۱۵۵ و ۱۵۶)
۲۳. جمعی از نویسندگان. (۱۹۹۴ م). «رسالة الخلافة و سلطة الامة». در الدولة و الخلافة فی الخطاب العربی. به اهتمام وجیه کوثرانی. لبنان: دارالطیعه.
۲۴. حائری، عبدالهادی. (۱۳۹۳). ایران و جهان اسلام: پژوهش‌های تاریخی پیرامون چهره‌ها، اندیشه‌ها و جنبش‌ها. ایران: به نشر (انتشارات آستان قدس رضوی).
۲۵. _____ (۱۳۶۴). تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق. ایران: امیرکبیر.
۲۶. حسن‌پور، یوسف (۱۳۸۳) «درآمدی بر هم‌گرایی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی». بررسی‌های بازرگانی، شماره (۷)
۲۷. حسینی‌زاده، سید محمدعلی. (۱۳۸۹). شکل‌گیری و تحول حوزه‌های شیعه. ایران: مؤسسه فرهنگی دین‌پژوهی بشرا.
۲۸. حکیم، سید محمدباقر. (۱۴۱۳ ه.ق). الوحدة الاسلامیة من منظور الثقلین. ایران: مجمع جهانی اهل بیت (ع)، معاونت فرهنگی.
۲۹. حکیمی، محمدرضا. (۱۳۶۱). شرف‌الدین. ایران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳۰. الخالسی، آیت‌الله شیخ مهدی (۱۳۷۳) «الطوائف الإسلامیة فی العراق». مجله رساله الاسلام. شماره (۱)
۳۱. خوانساری، محمدباقر. (۱۳۹۰). روضات الجنات. ایران: اسماعیلیان.
۳۲. دکمچیان، هریر. (۱۳۷۷). اسلام در انقلاب؛ جنبش‌های اسلامی در جهان عرب. ترجمه حمید احمدی. ایران: کیهان.
۳۳. دوئرتی، جیمز و رابرت فالنتزگراف. (۱۳۸۴). نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل. ترجمه وحید بزرگی و علی‌رضا طیب. ایران: قومس.
۳۴. دهستانی، بهمن. (۱۳۹۵). «تقریب فقهی، رهیافت ناتمام». شبکه اجتهاد.
۳۵. سماک امانی، محمدرضا. (۱۳۸۳). کاشف‌الغطا: اذان بیداری. ایران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
۳۶. سندبحرانی، محمد. (۱۳۹۷). نگاهی دیگر به وحدت و تقریب: بررسی فقهی-کلامی. ترجمه علی زاهدپور. ایران: بوستان کتاب.



۳۷. سیدقطب. (۱۳۷۷). آینده در قلمروی اسلام. ترجمه سیدعلی خامنه‌ای. ایران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳۸. سیف‌زاده، حسین. (۱۳۸۴). نظریه‌ها و تئوری‌های مختلف در روابط بین‌الملل فردی و جهانی شده: مناسبت و کارآمدی. ایران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
۳۹. شرف‌الدین الموسوی، السید عبدالحسین. (بی‌تا). المراجعات. مقدمه دکتر حامد حفنی داوود، إعداد مرکز الأبحاث العقائدية.
۴۰. شولتسه، راینهارد. (۱۳۸۹). تاریخ جهان اسلام در قرن بیستم. ترجمه ابراهیم توفیق. ایران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۴۱. شهیدی، سید جعفر. (۱۳۷۸). تاریخ تحلیلی اسلام. ایران: نشر دانشگاهی.
۴۲. صادقی ایرانی، محمد. (۱۳۵۸). نگاهی به تاریخ انقلاب اسلامی ۱۹۲۰ عراق و نقش علمای مجاهدین اسلام، دارالفکر.
۴۳. صفوی، سید یحیی. (۱۳۸۷). وحدت جهان اسلام: چشم‌انداز آینده. ایران: انتشارات شکیب به‌سفرارش مؤسسه آینده‌پژوهی جهان اسلام.
۴۴. طوسی، محمد ابن حسن. (۱۴۲۸ ه.ق.). تهذیب الاحکام. ایران: نور وحی.
۴۵. عنایت، حمید. (۱۳۶۹). شش گفتار درباره دین و جامعه. ایران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۴۶. فیرحی، داوود. (۱۳۸۴). نظام سیاسی و دولت در اسلام. ایران: سمت.
۴۷. _____ (۱۳۸۸). «توفیق محمد الشاوی و نظریه عمومی شورا در اسلام». فصلنامه سیاست، شماره (۱)
۴۸. قادری، حاتم. (۱۳۷۵). تحول مبانی مشروعیت خلافت از آغاز تا فروپاشی عباسیان. ایران: بنیان.
۴۹. ایرانی، محمدتقی. (۱۳۸۹). سرگذشت تقریب یک فرهنگ؛ یک امت. ایران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، معاونت فرهنگی.
۵۰. کاشف‌الغطا، محمدحسین. (۱۳۵۶). نامه‌ای از امام کاشف‌الغطا. [بی‌جا]: [بی‌نا].
۵۱. _____ (۱۹۵۴ م.). المثل العليا فی الاسلام لا فی بحدون. عراق: المطبعة الحیدریه.
۵۲. کاظمی، سید آصف. (۱۳۹۳). «بازتاب‌های سیاسی گفتمان تکفیر». در مجموعه مقالات هفدهمین جشنواره شیخ طوسی (ره). ایران: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
۵۳. _____ (۱۳۹۴). «اسلام‌هراسی درونی؛ نزاع غرب با اسلام در سایه گفتمان». در مجموعه مقالات هجدهمین جشنواره شیخ طوسی (ره). ایران: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
۵۴. _____ (۱۳۹۹). «تحلیلی بر چشم‌انداز گفتمان تقریب از دیدگاه آیت‌الله محسنی». در مجموعه مقالات آیت نیک. کابل: نشر واژه.
۵۵. _____ «هم‌گرایی تاریخی در جهان اسلام: بررسی براساس روش جستاری بحران اسپریگنز». دوفصلنامه علمی-پژوهشی اندیشه خاتم، شماره (۵)

۵۶. کاظمی، سید علی اصغر. (۱۳۷۰). نظریه هم‌گرایی در روابط بین‌المللی «تجربه جهان سوم». ایران: پیک ایران.
۵۷. گلی زواره، غلام‌رضا (۱۳۸۲) «علمای نجف در مصاف با استبداد و استعمار». نشریه پاسدار اسلام، شماره (۲۶۲)
۵۸. گلی زواره، غلام‌رضا. (۱۳۷۲). سرزمین اسلام: شناخت اجمالی کشورها و نواحی مسلمان‌نشین جهان. ایران: دفتر تبلیغات اسلامی.
۵۹. مجلسی، محمدباقر. (۱۳۶۳). بحارالانوار. ایران: دارالکتب الاسلامیه.
۶۰. محسنی، محمدآصف. (۱۳۷۹). وحدت الامه الاسلامیه. ایران: طاووس بهشت.
۶۱. _____ (۱۳۸۲). شیعه و سنی چه فرقی دارند؟ (جنگ در تاریکی). کابل: مرکز الابحاث العقائديه.
۶۲. _____ (۱۳۸۶). تقریب مذاهب؛ از نظر تا عمل. ایران: ادیان.
۶۳. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۷). یادداشت‌های استاد مطهری. ایران: صدرا.
۶۴. مظاهری، محمد مهدی و جعفر رحمانی. «فرصت‌ها و تهدیدهای فراروی حوزه‌های علمیه در عرصه بین‌الملل با رویکرد رسانه». فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، شماره (۶)
۶۵. المعاونه الثقافیه للمجمع العالمی للتقريب بين المذاهب الاسلامیه. (۲۰۰۴ م). «الامان البروجردی و شلتوت راندا التقريب». در مجموعه مقالات الملتقى الدولی لتکریم الامین السید البروجردی و الشیخ محمود شلتوت. ایران: المجمع العالمی للتقريب بين المذاهب الاسلامیه.
۶۶. موثقی، سید احمد. (۱۳۹۴). اندیشه اصلاح و راهبرد وحدت و هم‌بستگی در جهان اسلام. ایران: بوستان کتاب.
۶۷. موسوی، سید محمد. (بی‌تا). زندگی‌نامه شهید آیت‌الله صدر. ایران: بشیر.
۶۸. مؤمنی، مصطفی. (۱۳۸۶). مدخل جهان اسلام در دانشنامه جهان اسلام. زیر نظر غلام‌علی حداد عادل. ایران: کتاب مرجع (بنیاد دائرةالمعارف اسلامی).
۶۹. میراحمدی، منصور. (۱۳۸۲). «روش‌شناسی فقه سیاسی اهل سنت». فصلنامه علوم سیاسی، شماره (۲۱).
۷۰. نصرالله، حسن عباس. (۱۹۸۶ م). تاریخ کرک نوح. سوریه: رایزنی فرهنگی ایران.
۷۱. واعظزاده خراسانی، محمد. «راه‌های تقرب بین مذاهب اسلامی و وحدت مسلمانان». مجله مطالعات اسلامی، شماره (۶۰)
۷۲. _____ (۱۳۸۶) «فقه مقارن و تقرب مذاهب در نگاه آیت‌الله بروجردی». مجله کیهان فرهنگی، شماره ۲۴
۷۳. ولایتی، علی‌اکبر و رضا سعیدمحمدی. «تحلیل تجارب هم‌گرایی در جهان اسلام». دانش سیاسی، شماره (۱)
۷۴. همایون مصباح، سید حسین. (۱۳۸۳) «سید شرف‌الدین و سازوکارهای تقرب در جهان امروز». مجله حوزه، شماره (۱۲۴)

